

ایران شناسی در پاکستان

-۱۶-

مقام و اهمیت زبان فارسی

زبان فکری ادیبان :

نظر بگفته حضرت جوش ملیح آبادی «تمام کسانی که خواستار وجود آوردن ادب در اردو میباشند باید با گوش باز بشنوند اگر چنانچه آنها از طواف دور حرم ایران باز ایستند خواهند مرد و بهیچوجه نخواهند توانست بمقامی بلند که به کعبه ابدیت نامیده میشود برسند» میتوان ادعا کرد زبان فکری نویسندگان و گویندگان اردو فارسیست و در حال حاضر با اینکه فارسی نه زبان رسمی آنکشور است نه عموم مردم در آنجا بان صحبت میکنند و هر چه کم باشد بالاخره آن در شریعت سیاست حکم زبان خارجی را داراست ولی با اینهمه تعداد قابل ملاحظه‌ای از شعرای معاصر اردو ذواللسانین بوده و برای اظهار فضل هم اگر شده بفارسی نیز اشعاری دارند ، شعرای اردو زبان بار دو وفارسی و گویندگان پشتو زبان به پشتو وفارسی سرایندگانی که زبان مادری شان سندی یا پنجابی یا کشمیری یا بلوچی است علاوه بر اینکه بان زبان شعر میگویند بفارسی نیز میسرایند - عده‌ای از این شعرا علی‌رغم کساد بازار شعر و ادب اقدام بچاپ مجموعه اشعار فارسی خود نموده و علاقه شدید خویش را نسبت بفارسی بدینترتیب نشان میدهند .

از دروس اجباری :

در تمام دانشگاههای پاکستان که عبارتند از دانشگاه پنجاب (لاهور) دانشگاه سند (حیدرآباد) دانشگاه پشاور، دانشگاه کراچی، دانشگاه بهاولپور، دانشگاه داکا، دانشگاه راجشاهی، و همچنین در تمام دبیرستانهای دولتی و ملی و مدارس قدیمی دینی که شماره آن برصدها بالغ میشود کرسیهای فارسی دائراست و تعداد محصلین و معلمین آن زبان مجموعاً

متجاوز از چندین میلیون نفر میباشد ، در کلاسهای ششم و هفتم و هشتم در تمام دبیرستانها برای کلیه محصلین درس فارسی از دروس اجباریست و با زهم در کلاسهای نهم و دهم که آخرین کلاسهای دبیرستان محسوب‌اند همین درس برای دانش‌آموزان قسمت ادبیات اجباری میشود . البته در کلاسهای لیسانس و فوق‌لیسانس آن جزو دروس اختیاری میگردد .

مکاتبات عموم مردم :

در تعدادی از خانواده‌ها در سند و ایالت مرزنشینان مکاتبه هنوز بقاری صورت میگیرد و در نامه‌های اردو هم که در بین افراد خانواده‌های اصالت دولت ردوبدل میشود در آغاز و اختتام آن ترکیبات و کلمات فارسی بچشم میخورد و این موضوع نیز گواہ وجود نفوذ ریشه دار فارسی در تفکر و بیان اردو زبانان است . بطور نمونه بعضی از کلمات مورد نظر در زیر نوشته میشود :

آغاز نامه از طرف پدر به فرزند : بر خورد ارساعت اطوار نور چشم راحت جان سلمه ، نور نظر لخت جگر سلامت باشید ،

برادر به برادر : برادر عزیز ، برادر بجان برابر ، برادر عالیقدر

فرزند به پدر : پدر بزرگوار ، با با جان

فرزند به مادر : مادر گرامی

اختتام نامه از طرف بزرگان به خردان : دعا گو ، خیر طلب ، خیر اندیش ،

خیر سگال ، بهی خواه

از طرف خردان به بزرگان : ناچیز ، پابوس ، فرمانبردار ، خاک پا ، خاکسار

از طرف دوستان و آشنایان : خیر اندیش ، خیر خواه ، ارادتمند ، بهی خواه ،

نیازمند ، نیازمیش ، نیاز آگین

اسامی مردم :

اسامی تمام مسلمانان پاکستان و هند با کلمات عربی و فارسی ترکیب می‌یابد . اسامی فارسی زیر از معمولترین نامهای افراد آن ملت است که همراه اسامی مقدس انبیاء و ائمه معصومین گذاشته میشود .

خورشید ، آفتاب ، مهر ، نسیم ، آغا ، میرزا ، گلزار ، اختر ، گوهر ، سکندر ، جمشید ، سردار ، سرور ، بختاور ، شاه ، شهنشاه ، شهریار ، فیروز ، تاجور ، آرزو ، بخش (الله بخش ، امام بخش و غیره) گلاب ، یزدانی ، زردار ، داراشکوه ، وامثال اینها و همچنین در مورد اسامی زنان کلمات زیر فارسی زیاد مورد استفاده قرار میگیرد :

خاتون ، بیگم ، بانو ، مه‌جبین ، نرگس ، زبیده ، زهره ، زربینه ، شگفته ، شایسته ، پری ، شهر بانو ، جهان آرا ، فهمیده ، شیرین ، روشن آرا ، شاهینه ، رخسانه ، گلرخ ، دیبا ، زیبا ، فیروزه ، اختر ، سروری ، سوسن ، سنبل ، یاسمن ، نسرين ، شهناز ، مهناز ، ناهید ، مهلقا ، نورجهان ، ماه گل‌جان ، وامثال اینها .

فارسی از راه اردو دیوارهای دژ تقدس سانسکریت و مذاهب هندی را شکافته و بحریم دل‌های هندوان نیز راه یافته است بطوریکه عده‌ای از آنان در هند و پاکستان با اردو سروکار دارند و آنان را «هندی» می‌نامند برخلاف همکیشان خود که فقط از کلمات سانسکریت نام‌های شان تشکیل می‌یابد و ازه‌های فارسی را در ترکیب‌اسامی خود برمی‌گزینند مانند: مهتاب (ناراین) شمشیر جنگ ، لعل بهادر، گلزاری لعل، روشن لعل ، عشرت لعل ستارا (سینگ) بختاور، تیغ بهادر، جواهر لعل ، سردار، آزاد ، اقبال ، خوشحال (داس) گلاب (سینگ) و امثال اینها .

در حریم دین و مذهب :

برخی از واژه‌های فارسی مانند خدا، پروردگار، پیغمبر، پیمبر، نماز، روزه ، جانماز، بهشت، دوزخ، گناه، روز محشر، سجده گاه ، پنجتن پاک ، بخشش، سپاره و امثال اینها حتی در خلوت گاه معتقدات و ایمان مردم رخنه کرده و بر کلمات متقابل عربی و قرآن چیره شده و در تمام نواحی پاکستان و جهان اردو بر سر زبان‌هاست ، بدین ترتیب در موارد زیاد، تقدس زبان فارسی با تقدس زبان عربی که زبان رسمی اسلام و وسیله الهام رسول خدا بشمار میرود برابر بنظر می‌رسد و بهمین دلیل آن در مسیر زندگی مسلمانان نقش بسزائی را ایفا می‌نماید. تاریخ گوئی که بیشتر به روز تولد و روز وفات و مردم وقایع مهم دیگر زندگی آنان مربوط است اغلب در فارسی صورت می‌گیرد و بیشتر اعیاد و عبادات و اجتماعات مذهبی وادی نفوذ و اهمیت آن زبان آشکار می‌گردد.

اعلام فارسی زینت‌ده سردر بها :

اسامی تعدادی از مشاهیر تاریخی و ادبی ایران و شهرهای آن مانند جمشید، دارا، نادر، فردوسی، خیام، سعدی، حافظ، ایران، اصفهان ، شیراز ، شمیران و امثال اینها روی سردرهای مغازه‌ها و کافه‌ها و پلاک خیابانهای شهرهایی مانند کراچی، کویتا، لاهور و راولپندی بچشم می‌خورد. دردانشکده بزرگ پزشکی که در شهر ملتان بنام نشتر میدیکال کالج بنا گردیده اسم دو تالار «رازی‌هال» و «ابن سینا هال» میباشد و این مطالب نیز که در اینجا باختصار مرقوم شده است باید مبین نفوذ فارسی و ایران در پاکستان محسوب گردد .

گویندگان فارسی اولیاء الله اند :

سخنوران نامی فارسی مخصوصاً شعرای متصوف مانند جلال الدین رومی، خواجه شمس‌الدین حافظ ، شیخ مصلح‌الدین سعدی، خواجه عبدالله انصاری ، مولانا نورالدین جامی ، حضرت امیر خسرو دهلوی و امثال اینها در پاکستان و جهان اردو قیافه مظاهر الوهیت را بخود گرفته و «اولیاء الله» بمعنای خاصان خدا بشمار می‌روند و کلامشان را مردم با احترام خاصی یاد میکنند و در محافل موسیقی «قوالی» که در آن قول رسول و اشعار مذهبی توسط

دسته‌های قوالان خوانده میشود. اشعار فارسی «اولیا الله» بر تمام شرکت کنندگان و شنوندگان تأثیر فراوانی میگذارد حتی اشخاصی هم که فارسی را درست نمی‌فهمند بمحض اینکه آیات فارسی را از قوال می‌شنوند بقدری تحت تأثیر آن قرار میگیرند که گویا روح آنان مطالب را درک نموده و حالت عجیبی بآنان دست داده است با خواندن اشعار فارسی قوالان بیشتر پول باران میشوند و شنوندگان نیز از شنیدن کلام فارسی از حال میروند در چنین اجتماعات مقام بسیار ارجمند فارسی و جنبه تقدس آن در قلوب پاکستانیان واردوز بانان درهند بطور واضح آشکار میگردد.

همچنین در اجتماعات روضه خوانی که در هند و پاکستان «مجالس» نامیده میشود ذکر مصائب شهیدان کربلا بفارسی در قلوب شرکت کنندگان تأثیر بیشتری میگذارد و آنان گویا از بیانات فارسی زبانان فوق‌العاده مسحور میشوند و گریه‌شان با شنیدن مصائب در آن زبان باوج شدت میرسد.

قهرمانان ادبی و تاریخی ایران :

اغلب قهرمانان و مفاخر فرهنگ و تاریخ و ادب و علوم و هنرهای پاکستانیان و مسلمانان شبه‌قاره ایرانی‌اند بهمین دلیل عادت آنان بر این بوده است که اشخاص باوج رسیده خود را بنامداران ایران تشبیه کرده و با سامی آنها بنامند بطور مثال شاعر مرثیه گو و روزم نگار اردو میرزا بیرعلی انیس «فردوسی‌هند» لقب داده شده ابراهیم ذوق در قصیده گوئی اردو خاقانی موسوم گردید محمدحفیظ جالندهری بنا پشاهنامه اسلام که از آثار اوست فردوسی اسلام گفته شد و با در نظر گرفتن مثنویها و تقلیدش از سبک «قرآن در زبان پهلوی» مردم محمد اقبال لاهوری را بلقب رومی عصر مفتخر ساختند و همچنین غلام محمد معروف به گاما (تولد ۱۸۸۲ و وفات ۱۹۵۹ میلادی) پس از مغلوب ساختن تمام پهلوانان بنام جهان از جمله «زبسکو» در لندن به «رستم‌زمان» ملقب شد و برادرش امام بخش پس از شکست دادن به همه پهلوانان هند به «رستم‌هند» معروف گردید و نیز برادرزاده اش «پهلولو» که سرآمد کشتی گیران پاکستان است رستم آنکشور نامیده میشود.

دلنشینی فارسی :

حلاوت زبان فارسی و عذوبت و شیرینی آن در جهان اردوزبان زد خاص و عام و مقبول انام میباشد شعراء و نویسندگان اردو که آثار گویندگان ایران برای آنان سرچشمه الهام بشمار میروند از ابتدا در مقابل واژه‌های ثقیل و سنگین هندی الاصل کلمات فارسی را زیبا و خوش‌آهنگ تر محسوب داشته و بمنظور فصاحت بیان و انسجام کلام در اشعار و انشای خود بکار میبرده‌اند. حتی کارگردانان تیاترها برای جلب توجه بیشتر مشتریان اشعاری چند از فارسی را که باهنگ آوازه‌های محلی ترتیب داده و دسته جمعی خوانده میشود در آغاز برنامه نمایشنامه‌ها میگذارند. نگارنده این سطور ۲۰ سال پیش در زادگاهش مظهر فکر (هند شمالی) در اوایل یکی از نمایشنامه‌ها در تیاتری «اشعار فارسی» را باهنگ بسیار شیوا و دلنشینی که در تمام شنوندگان تأثیر عمیقی بجا میگذاشت از زبان دسته‌ای از خوانندگان ماهر می‌شنیده و

نفوذ فارسی را در توده مردم که بفارسی آشنائی هم نداشتند در چنین اجتماعات بارها مشاهده نموده است . بند اول «اشعار فارسی» مزبور بقرار زیر بود :

«این زلف چون سنبل ، بوی مشک ختن ،
 نو گل نوبهار سر و قد زیباروی چو گلشن»

پس از تقسیم شبه قاره هندو پاکستان در بین ادیبان پاکستان تمایل بیشتری جهت برگزیدن کلمات فارسی و گنجانیدن آنها در آثار خود بوجود آمده و نظم و نثر اردوی پاکستانی نسبت به اردوی غیر پاکستانی بمراتب بیشتر مشحون از لغات و کلمات فارسیست . نهضت فارسی پسندی که در اواخر بین نویسندگان اردو و پاکستانیان ادب دوست رو بتوسعه گذاشته است مبین افزایش نفوذ و اهمیت فارسی در آنکشور میباشد و «سرود ملی» پاکستان که بسختی میتوان آن را غیر از زبان فارسی شناخت شاهد بارز چنین مدعاست . بدون شك سرود ملی پاکستان که در زیر مرقوم میگردد میتواند گویا ترین مفسر و معرف نفوذ عمیق فارسی در بین توده های مردم آنکشور باشد .

سرود ملی پاکستان

پاك سرزمين شادباد کشور حسين شادباد
 تونشان عزم عاليشان ارض پاکستان

هرگز يقين شادباد

پاك سرزمين كا نظام قوت واخوت عوام
 قوم ملك سلطنت پابنده تابنده باد

شادباد منزل مراد

پرچم ستاره و هلال رهبر ترقی و کمال
 ترجمان ماضی شان حال جان استقبال

سايه خدای ذوالجلال

حسن علی حکمت (بخرد)

زن و مرد

باز در دیده زن نیست کمالی چون مال
 لیک زرباید وزر تا که نگو گو در حال
 مرد را دیده بر خسار زن است و خط و خال
 بی زر اندر نظر سیم تنان هست چو زال
 بذل کن مال و مکن زاری و از عشق منال
 عشق دیرینه چو رفت از رخ زن حسن و جال

مرد اگر در همه احوال سر آمد به کمال
 گرچه فرمان عزیزی بزن و مرد رواست
 زن نظر می نکند جز بزر و مال بمراد
 مرد اگر رستم دستان و اگر زال زراست
 گر بخواهی که شود نرم دل سخت بتان
 نیست بخرد گنه از زن، که برفت از دل مرد